



سیاستمداری که وانمود به رفتار اخلاقی کند با رأی منفی رأی دهندگان مواجه خواهد شد

استاد فلسفه دانشگاه هاروارد معتقد است: اگر سیاستمداران صرفاً وانمود به رفتار اخلاق کنند و در عمل چنین نباشد ...

استاد دانشگاه هاروارد در گفتگو با مهر:

سیاستمداری که وانمود به رفتار اخلاقی کند با رأی منفی رأی دهندگان مواجه خواهد شد. استاد فلسفه دانشگاه هاروارد معتقد است: اگر سیاستمداران صرفاً وانمود به رفتار اخلاق کنند و در عمل چنین نباشد رأی دهندگان جواب این فریب را در ادوار بعدی انتخابات خواهند داد. پروفیسور توماس اسکانلون استاد دانشگاه هاروارد در خصوص جایگاه اخلاق در سیاست به خبرنگار مهر گفت: دیدگاههای وجود دارند که قائل به رفتار اخلاقی در سیاست نیستند. در واقع رئالیستها در عرصه سیاست دارای چنین دیدگاهی هستند.

وی افزود: البته رئالیستها وانمود به رفتار اخلاقی را نمی کنند و در برخی جاها وانمود کردن به اخلاق را برای رسیدن به اهداف، برای سیاستمداران لازم و ضروری می دانند.

اسکانلون در ادامه یادآور شد: بسیاری از مسائل و مباحث دنیای کنونی اخلاقی هستند و مستلزم رفتار اخلاقی از سوی سیاستمداران هستند. اینکه مرز رفتار اخلاقی از سوی سیاستمداران به چه میزان باید باشد محل بحث و گفتگو است.

مؤلف "نظریه اخلاق" در ادامه یادآور شد: کارگزاران سیاسی نمی توانند خود را موجوداتی غیراخلاقی بپندارند. آنها چه از بعد شخصی و چه از بعد حوزه عمل که همان حوزه سیاست است ملزم به رعایت اخلاق هستند.

وی در ادامه تأکید کرد: اینکه آنها وانمود به اخلاق می کنند و یا اینکه اعتقاد راسخ به عمل اخلاقی دارند بحثی دیگر است.

مؤلف "دشواری تساهل" در ادامه تصریح کرد: مسلماً در فضایی که وانمودی از سوی سیاستمداران صورت گرفته باشد و این موضوع برملا شود رأی دهندگان جواب این فریب را خواهند داد.

به گزارش مهر، توماس مایکل اسکانلون فیلسوف معاصر، استاد سابق دانشگاه پرینستون و استاد فعلی دانشگاه هاروارد است. حوزه مطالعاتی او منطق ریاضی، اخلاق و فلسفه سیاسی است. "چه چیزی را ما به یکدیگر میوه هستیم"، "دشواری تساهل"، "نظریه اخلاق" و "ابعاد اخلاقی" از جمله آثار او به شمار می‌روند.

توماس اسکانلون از فیلسوفانی است که نظریه قراردادگرایی را در فلسفه اخلاق معاصر احیا کرده است. قراردادگرایی ریشه در آرای کانت و هابز دارد و توسط افرادی چون رالز و اسکانلون در دوره معاصر بسط و توسعه یافته است.

قراردادگرایی در فلسفه اخلاق به دو گونه تقسیم می‌شود؛ یکی قراردادگرایی کانتی و دیگری قراردادگرایی هابزی. قراردادگرایی، قوانین اخلاقی را حاصل قرارداد و توافق برای قانونمند کردن رفتار آدمیان در اجتماع می‌داند و الزام به این قوانین را نیز حاصل قرارداد و توافق انسانها.

قراردادگرایی ریشه در یونان باستان دارد ولی پس از عصر روشنگری این نظریه برجسته می‌شود. روشنگری نظام اخلاقی ذات‌گرایانه را مورد تردید قرار داد و فیلسوفان برای پر کردن خلاء تلقی ذات‌گرایی به قرارداد گرایی اجتماعی روی آوردند.

اسکانلون در حوزه اخلاق اصطلاح مجازبودن را به کار می‌برد و معتقد است این مجازبودن ممکن است بستگی به خرد و استدلال کارگزار فردی و انسانی در انجام یک عمل داشته باشد.

او مجازبودن را در دو سطح مورد توجه قرار می‌دهد. او معتقد است کارگزار انسانی ممکن است که این مجاز بودن را در مورد خود عمل و کنش مد نظر داشته باشد و انجام خود عمل و کنش برای او مجاز باشد. سطح دیگر این مجاز بودن مربوط به شیوه و روش انجام کنش است که در آن کارگزار انسانی شیوه‌ای را برای رسیدن به هدف خود مجاز می‌شمارد. بر اساس این دو سطح است که

اسکانلون میان مجازبودن یک عمل و معنای آن قائل به تفکیک است و آنها را از یکدیگر مجزا می‌داند.